
کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش در تحقق جامعه اسلامی

با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

مرضیه ملی نژاد اسپر^۱ (نویسنده مسئول)

محمد مهدی ولی زاده^۲

چکیده

تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش، به منظور پرورش افرادی آگاه به دین و عامل به آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر دانش‌آموزان به علوم متداول مسلط باشند، ولی از تربیت دینی متناسب با سن خود بی‌بهره بمانند، اهداف اساسی نظام آموزش و پرورش جهت تحقق جامعه اسلامی محقق نشده است. سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی تربیت دینی دانش‌آموزان یک جامعه، امری زیربنایی است که پیشرفت جامعه در جنبه‌های گوناگون وابسته به آن می‌باشد. حال سوال این است که کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش در تحقق جامعه اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟ برای پاسخ به این سوال، پژوهش موردنظر از طریق روش توصیفی - تحلیلی و با شیوه کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش جهت

۱. دانش پژوه سطح دو حوزه علمیه خواهران، marzeyehmelinezhad@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح ۴ حوزه علمیه Valizadeh.maaref@gmail.com

تحقق جامعه اسلامی به صورت کارکردهای فردی تربیت دینی شامل معرفت‌زایی، قرب و رضوان، عبودیت، تقوا، پرورش انسان شایسته و تربیت نیروی انقلابی و کارکردهای اجتماعی آن شامل تولید علم نافع، ایجاد جامعه‌ی نمونه، ایجاد عدالت و تحکیم هویت ملی به دست آمد.

واژگان کلیدی: دین، تربیت دینی، آموزش و پرورش، جامعه اسلامی، بیانیه گام دوم

مقدمه

در انسان استعدادها و قابلیت‌های متنوع و متعددی نهفته است که می‌تواند آدمی را از نظر علمی و اخلاقی به اوج درجه‌ی اعلاّی انسانیت برساند و تنها در پرتو تعلیم و تربیت است که درون‌مایه‌ها به فعلیت می‌رسند. از میان ابعاد مختلف تربیت، تربیت دینی به این دلیل که دین مطابق با فطرت آدمی برنامه‌هایی دارد که انسان را به درجات والای انسانی ارتقا می‌دهد، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

از سویی دیگر، اخلاق در سایه دین و تعلیمات آن است که پرورش می‌یابد. همان‌گونه که بیان شده "انی بعثت لا مکارم الاخلاق". لذا، یکی از راه‌های نیل به مسائل اخلاقی، تعالیم دینی است که در کتاب آسمانی ما قرآن تجلی یافته است. به مصداق آیات ۹ و ۱۰ سوره شمس، "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰): به راستی رستگار شد، آن کس که نفس خود را تزکیه کرد (۹) و بی شک محروم و ناامید گشت هر کس که آن را به پلیدی آلود."، نفس تربیت‌پذیر است و رستگاری آدمی در گرو تلاش‌های فردی و جمعی است که برای تربیت آدم صورت می‌گیرد. اهمیت موضوع تا به آن حد می‌باشد که پیامبران و اولیا به عنوان هدایت‌گران جوامع همواره سرچشمه سعادت و نیک‌بختی بشر را در این عرصه جستجو کرده‌اند؛ چنانکه قرآن کریم، پیامبر اسلام (ﷺ) را به عنوان معلم و مربی بشر معرفی نموده است آنجا که می‌فرماید: "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ: اوست که در میان مردم درس ناخوانده، پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آنان بخواند و آنها را

رشد و پرورش داده (از آلودگی شرك و تفرقه پاك سازد) و کتاب آسمانی و حکمت به آنان پیامزد و همانا پیش از این در انحراف و گمراهی آشکار بودند" (جمعه ۲/۲)؛ در این آیه یادآوری شده است که خداوند از میان مردم پیامبر خود را برانگیخت تا آیات خدا را بر آن ها بخواند و آنها را تربیت و تهذیب نماید و کتاب خدا را به آن ها تعلیم دهد (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۲).

سرمايه‌گذاري در زمينه‌ی تربیت دینی دانش‌آموزان یک جامعه، امری زیربنایی است که پیشرفت جامعه در جنبه‌های گوناگون وابسته به آن می‌باشد؛ در این میان، نظام آموزش و پرورش به منظور محقق ساختن شرایط مطلوب برای پرورش نسلی با ایمان و دین‌مدار موظف است با برنامه‌های تربیتی سالم و اصولی این امکان را فراهم کند (امین خندقی و ابراهیمی هرستانی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۸)؛ اگر چه تعلیم و تربیت آدمی تماماً وابسته به آموزش و پرورش رسمی نیست، اما باید اذعان داشت که جریان تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی یکی از مهم‌ترین، منظم‌ترین و شاید هدفمندترین بخش تعلیم و تربیت آدمی است (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۲).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام، آموزش و پرورش را حساس‌ترین و مهم‌ترین بخش اداره کشور دانسته و در این مورد فرموده‌اند: "آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت عمومی کشور هدف‌هایی دارد، دنبال هدف‌هایی می‌گردد، این هدفها چیست؟ این هدف‌ها، عیناً همان هدف‌های نظام اسلامی است؛ این هدف عبارت است از همان هدفی که نظام اسلامی برای آن به وجود آمد. نظام اسلامی، جهان و جامعه‌ای را می‌خواهد بسازد پیشرو، با ارزش‌های متعالی، متدین، پایبند به شرایع الهی، با گستره‌ی بی‌انتهای افق دید. نگاه انسانی که در جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی زندگی می‌کند، برای آینده هیچ محدودیتی ندارد، در هیچ جهتی؛ نه فقط در جهات معنوی، [بلکه] در جهات مادی و در جهات علمی، هیچ محدودیتی وجود ندارد" (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39542>).

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در مورد اینکه آینده‌سازان چه

چیزی را باید در نظر داشته باشند، فرموده‌اند: "مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد" (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ص ۸).

۱. پیشینه و ضرورت

در زمینه تربیت از جمله تربیت دینی، تحقیقاتی صورت گرفته است. برای نمونه، وجدانی (۱۳۹۸)، در مقاله خود به بررسی نسبت میان فلسفه تعلیم و تربیت با تمدن اسلامی براساس دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته است و به این نتیجه دست یافت که نظام تربیتی در تأمین سرمایه‌ی انسانی لازم برای تمدن‌سازی، پرورش خصوصیات معنوی - اخلاقی لازم، نهادینه‌کردن سبک زندگی اسلامی، آماده‌سازی برای ورود به آموزش عالی و تولید علم و فناوری و پرورش نسل‌های بعدی نخبگان فکری جامعه که برای تمدن‌سازی لازمند، نقش ایفا می‌کند. اکبری (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه خود به بررسی تربیت دینی با توجه به اسناد تحول در آموزش و پرورش پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که در این اسناد به تربیت دینی اهمیت داده شده و تربیت دینی در اولویت سایر ساحت‌های تربیتی بود که از نقاط قوت اسناد مذکور بود، اما عدم توجه صریح و مستقیم به روش‌های تربیت دینی در حیطه‌های سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری از جمله نقاط ضعف این اسناد در پرداختن به تربیت دینی بود. کشاورز (۱۳۸۷)، در مقاله خود به بررسی شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که نظام آموزش و پرورش در تقویت گرایش‌های دینی دانش‌آموزان، آن‌گونه که شایسته است موفق نبوده و برای توفیق در تربیت دینی دانش‌آموزان باید شاخص‌های مورد

تأکید در آموزه‌های دینی و استفاده از شیوه‌های مناسب مبتنی بر اصول روان‌شناختی نوین، را در دستورکار خود قرار دهد. با توجه به موارد پژوهشی ذکر شده، آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌کند، بیان کارکردهای فردی و اجتماعی تربیت دینی آموزش و پرورش در تحقق جامعه اسلامی است که با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری صورت می‌گیرد.

به صورت کلی، تربیت انسان‌های هم‌جهت و هماهنگ با معیارهای اسلام، یکی از وظایف اصلی نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. اگرچه تعلیم و تربیت کاملاً وابسته به آموزش و پرورش نیست، اما باید اذعان نمود که تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی، یکی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش‌های تعلیم و تربیت است؛ همچنان که رهبر معظم انقلاب نیز در مورد نقش و کارکرد آموزش و پرورش فرموده‌اند که آموزش و پرورش، مهم‌ترین کار یک کشور است و اگر کشوری بخواهد به عزت مادی، سعادت معنوی، سیطره سیاسی، پیشروی علمی، آبادانی زندگی دنیا و به هر آرزویی برسد، باید به آموزش و پرورش به عنوان کار بنیادی و مقدماتی لازم بپردازد.

تحقیق مورد نظر به دنبال بررسی کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش در تحقق جامعه اسلامی با تأکید بر نظریات مقام معظم رهبری می‌باشد که به روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای انجام می‌شود.

۲. مفاهیم

کارکرد

کارکرد، ترجمه "Function" است که در لاتین معانی مختلف از جمله فعالیت سودمند، کار، وظیفه، فایده، انگیزه، غایت، نیت، نیاز، نتیجه و پیامد است؛ اما جامعه‌شناسان بیش از همه بر سه معنای کار، وظیفه و نقش تأکید دارند (مطهری خواه، ۱۳۹۴، ص ۷۹۶).

آموزش و پرورش

"آموزش" در لغت به معنای تعلیم و "پرورش" در لغت به معنای تربیت است. بنابراین، "آموزش و پرورش" همان معنای تعلیم و تربیت را دربردارد. آموزش و پرورش یا همان تعلیم و تربیت در اصطلاح، عبارت است از: مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدف‌دار یک انسان (مربی)، به منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسان‌های دیگر (متربی یا متربیان)، بر اساس برنامه‌ای سنجیده (چاه‌خویی اناری، ۱۳۹۵، ص ۹).

تربیت دینی

تربیت دینی فرایندی است دوسویه میان مربی و متربی که ضمن آن مربی با بهره‌گیری از مجموعه عقاید، قوانین و مقررات دینی تلاش می‌کند تا شرایطی فراهم آورد که متربی آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهاي خود گام برداشته، به سوي هدف‌هاي مطلوب رهنمون گردد. هدف از تربیت دینی آن است که مربی چه در مقام معلم و چه در مقام والدین، شور و شوق فطری کودک را نسبت به جلال و جمال الهی پرورش دهد و از رهگذر آن فضایل اخلاقی را به ملکات اخلاقی مبدل سازد (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

از نظر امیر مؤمنان علیه السلام هدف تربیت دینی، تربیت موحدان به توحید حضوری است، موحدانی که نه تنها به صورت عقلانی، یگانگی خداوند خالق را پذیرفته باشند، بلکه دخالت او را نیز در جهان طبیعی و عالم انسانی باور و حضور مؤثر و فراگیر او را در متن هستی (به‌ویژه در متن حیات انسانی) با تمام وجود احساس کنند و براساس ایمان به "در محضر حق بودن"، تقوا پیشه سازند. تربیت دینی علوی در صدد این است که حضور همیشگی و همه‌جای حق را در ذهن و دل متربی تثبیت کند؛ این همان ایمان و حق‌الیقین است. این حق‌الیقین بالاترین مرحله شناخت به شمار می‌رود که عشق به معشوق سبب رسیدن به این نوع شناخت می‌شود. وقتی متربی به این شناخت و احساس دست یافت، در عمل نیز پیوسته مطیع و فرمانبردار خداوند خواهد بود. در حقیقت برای رسیدن به هدف اصلی که

توحید حضوری است، سه هدف میانی وجود دارد که بیان آن براساس طبقه بندی متخصصان تعلیم و تربیت به این صورت است: ۱. حیطة‌ی شناختی: شناخت خداوند و اعتقاد به اینکه او یگانه وجود مستقل است و انسان، موجودی ربطی و فقیر بالذات و همواره در محضر اوست. ۲. حیطة‌ی عاطفی: برانگیختن احساسات و هیجانات متربی و ایجاد وابستگی و عشق به خداوند. ۸. حیطة‌ی حسی - حرکتی: تعبد در برابر دستورات الهی و تنظیم رفتار براساس آن دستورها (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۸).

۳. کارکردهای فردی تربیت دینی

نقش شگفت‌انگیز تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و تاکنون هم ضرورت آن مورد تردید قرار نگرفته است؛ چرا که از طریق تعلیم و تربیت صحیح می‌توان فرد را به اوج ارزش‌ها رساند و اگر تربیت او غلط باشد، او را به سقوط و انحطاط خواهد کشاند. انسان در آغاز ولادت فاقد علم و ادراک و تربیت و کمال است و به تدریج با تربیت مستقیم و غیرمستقیم است که استعدادهای بالقوه او به فعلیت می‌رسد و رشد و تکامل می‌یابد. بر این اساس شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والای انسانی مبتنی بر تعلیم و تربیت است و انسان شدن و وصولش به کمال نهایی همه به تعلیم و تربیت صحیح وابسته است.

اولین تعلیم و تربیت از زمانی آغاز گردید که خداوند، انسان (حضرت آدم علیه السلام) را آفرید و همه حقایق عالم را به او آموخت: " الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵): او کسی بود که با قلم آموخت. آنچه را انسان نمی‌دانست به او آموخت" (علق ۴/ و ۵). بنابراین بهترین راه تربیت، که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه‌ی نیازها و وجوه اوست، راه وحی و راه سنت الهی است؛ همان‌گونه که قرآن کریم به آیینی فرا می‌خواند که بهترین آیین است: " إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا؛ همانا این قرآن به آیینی درست‌تر و استوارتر هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برایشان پاداش بزرگی است. "

(اسراء/۹)، راه واقعی تربیت، چنین راهی است، راهی که از جانب رب العالمین ارائه شده است (دهقان رجبی، ۱۳۹۲، ص ۲).

انسان شایستگی رسیدن به همه‌ی کمالات الهی را دارد و آفریده شده تا خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین شود. برای رسیدن انسان به چنین مقامی نیاز است تا در مسیر دین قدم بردارد و در جهت آن رشد کند. در این راه افراد و گروه‌های مختلفی با انسان همراه هستند و می‌توانند به عنوان راهنما، او را در مسیر دین تربیت کنند و به بالا ببرند یا در مسیر غیردینی او را از مقصد دورتر کنند؛ جامعه‌ی دینی نیاز به تربیت دینی دارد تا افراد در آن استعدادهايشان را شکوفا سازند. شیوه‌ی تربیتی مدرسه بر شخصیت دانش‌آموزان بسیار مؤثر است. لذا لازم است همه‌ی عوامل مؤثر بر تربیت در مدرسه و خارج از آن به طور هماهنگ به تربیت افراد بپردازند (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۳).

یک) معرفت‌زایی

فلسفه بعثت انبیا به صراحت کتب آسمانی به ویژه قرآن کریم، سعادت انسان است. در اهمیت تربیت دینی همین بس که صد و بیست و چهار هزار پیامبر مبعوث شدند تا به این مهم بپردازند؛ همچنین پیامبر اسلام نیز از میان افراد امی برگزیده شده است (جمعه ۲) تا انسان‌ها به سعادت برسند. در جامعه‌ی امروز مدرسه از جایگاه مهمی در تربیت دانش‌آموزان برخوردار است و می‌تواند فعالیت خود را در این زمینه در جهت مثبت و یا منفی به انجام برساند (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۲).

آموزش دینی ناظر به انتقال معارف دینی است و نتیجه آن استقرار یک نظام معرفتی در ذهن کسی است که برنامه درسی تربیت دینی برای او شکل گرفته است. در واقع، در زمینه تربیت دینی، نظام آموزشی ابتدا باید به دانش‌آموزان شناخت و اندیشیدن را بیاموزد و تربیت دینی در این بعد به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از دین و اصول و مبانی آن، درک درست و صحیحی به دست آورند، اما هدف از آموزش معارف دینی صرفاً انتقال دانش نیست بلکه در کنار این مسئله (انتقال دانش)، رشد باور و اعتقاد و عمل به آموزه‌های دینی دانش‌آموزان هم

مدنظر است (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۴).

دو) قرب و رضوان

قرب به معنی نزدیکی به خداوند است و البته مقصود از این نزدیکی، "مکانتی است نه مکانی"، زیرا اولاً خداوند در همه جا حاضر است و قرب مکانی برای او بی معنا و غیر متصور است. ثانیاً از نظر فلسفی، همه جهان ذاتاً وابسته به الله است و نیازمند و عین ربط به اوست و از این رو خداوند به همه چیز نزدیک است: "... وَ نَحْنُ اقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ: ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم" (ق/۱۶)، یعنی تا این حد خدا به انسان نزدیک است و یا در جای دیگر چنین فرموده است: "أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ: خدا بین انسان و قلبش واسطه و حایل است" (انفال/۸). این قرب نوعی قرب تکوینی و از ناحیه اوست و شاید به همین سبب در این آیات شریفه تأکید بر این است که خدا نزدیک است و یا نزدیک‌تر است و نفرموده آن دو به هم نزدیکند. حال که چنین است، پس قرب انسان به خدا و تقرب او به سوی خداوند به چه معناست؟ اگر نزدیکی حاصل است پس تحصیل قرب چگونه ممکن است و چه مفهومی دارد؟

اینجاست که باید نوع دیگری از قرب تعریف شود که همان، روی کردن و توجه به خداوند است و در مقابل آن دوری از خدا، عبارت از پشت کردن به خداوند و غفلت از اوست. این توجه، و عدم توجه دارای مراتبی است که شامل توجه قلبی و درونی و توجه قالبی و عملی، هر دو می‌شود. هرچه مقدار توجه و روی کردن بیشتر بوده و جهت آن مستقیم‌تر و عمیق‌تر باشد، قرب بیشتری حاصل می‌شود و هرچه کمتر و سطحی‌تر بوده، از پیچ و خم‌های مادیات و غیر خدا بیشتر عبور کند، قرب کمتری به دست می‌آید (چاهخویی اناری، ۱۳۹۵، ص ۹۲).

هر چه توجه انسان به خدا بیشتر شود، که هرچه این احساس حضور در پیشگاه الهی کامل‌تر و عمیق‌تر باشد و حضور در محضر خدا را بیشتر احساس کند، قرب افزون‌تری حاصل می‌شود؛ از این رو، نماز که برترین نوع توجه و ذکر نسبت به خداست (ولذکر الله اکبر)، می‌تواند

بیشترین قرب را ایجاد کند و در خود نماز نیز سجده به سبب اینکه عمیق‌ترین حالت کرنش و هیچ انگاری انسان در برابر خداوند را به نمایش می‌گذارد، بالاترین میزان قرب را می‌تواند فراهم آورد. پیامبر اکرم (ﷺ) در این مورد می‌فرماید: "هنگامی که بنده در حال سجده است، بیشتر از همیشه به خدا نزدیک است".

جستجوی رضوان خدا نیز ملحق به قرب است. مقام رضوان نوعی توجه متعالی است که به رضای الهی چشم دارد نه به جزای الهی، لذا رضوان اوج قرب و اخص آن است و اندکی رضوان خداوند بالاترین دارایی است و بالاتر از هر پاداشی است؛ هدف غایی تعلیم و تربیت چنین قربی است و به همین سبب، در تمام مراحل، اعمال و رفتارهای تربیتی این هدف آرمانی را باید ملاحظه کرد و نیروها و استعدادهاى متعلم و متربی را در جهت آن به فعلیت رسانید. رشد واقعی شخصیت انسان، در قرب الی‌الله خلاصه می‌شود و آن کس به رشد می‌رسد که در مراتب قرب به پیش رود و در تخلق به اخلاق الهی بکوشد (همان، ۱۳۹۵، ص ۹۳).

سه) عبودیت

عبادت به معنی بندگی است و حقیقت بندگی آن است که انسان، فقط خدا را ربّ و مالک و مدبّر و مولای خویش دانسته، معبودیت را تنها شایسته او بداند، خود را در برابر ربّ و مولای خود مطیع و تابع محض قرار دهد و غیر او را کنار بزند. پس حقیقت عبادت، همان عبودیت و عبد بودن است و هدف خلقت نیز همین است نه صرف عبادت ظاهری به معنای عرفی آن. قرآن هدف غایی از خلقت انسان را عبادت می‌داند، در جایی که می‌فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: وَجَنَّ وَاِنْسَ رَا نِيَا فَرِيْدِمَ جَزْ بَرَا يَ اَنَكِهَ مَرَا بِيْرَسْتِنْد (ذاریات/۵۶)". پس به یک معنا می‌توان گفت که هدف خلقت، عبودیت است نه عبادت؛ و هدف تربیت (آموزش و پرورش)، ساختن عبد است نه عابد، زیرا می‌توان عابد بود ولی عبد نبود؛ همان‌طور که شیطان شش هزار سال عابد بود، ولی لحظه‌ای عبد نبود.

البته این تذکر ضروری است که عبودیت و رسیدن به حقیقت عبادت، جز از طریق

تبعیت و اطاعت ظاهری و باطنی محقق نمی‌شود و چنین نیست که منظور از تأکید بر حقیقت عبادت، نفی عبادت‌های ظاهری و شرعی باشد؛ چرا که به تعبیری، جز از طریق شریعت نمی‌توان به حقیقت رسید و چون حقیقت، بی‌انتهاست، وصول به آن مستلزم پایبندی مداوم و مستمر به شریعت است (همان، ۱۳۹۵، ص ۹۵).

چهار تقوا

تقوا در عرف شرع یعنی نگهداری نفس از آنچه انسان را به گناه می‌کشاند، به اینکه ممنوعات و محرمات را ترک کند. مراتب این محافظت متفاوت است: در یک مرتبه، فرد به هنگام لغزش قدرت محافظت ندارد، بنابراین به لغزش تن می‌دهد، اما پس از آن، بلافاصله خود را باز می‌یابد، استغفار می‌کند و بر لغزش خود اصرار نمی‌ورزد. در رتبه بالاتر محافظت، انسان به محض وسوسه لغزش به آن چیره می‌شود، اما آن مرتبه از تقوا که مد نظر ما در این بحث است به عبارت دیگر، تقوایی که جز اهداف غایی تربیت قرار می‌گیرد، دامنه محافظت در آن بسیار گسترده‌تر از آن است که محدود به محافظت پس از لغزش یا پیش از لغزش شود، بلکه محافظتی است در حدّ بازبینی و اصلاح دستاوردهایی که فرد آنها را توسط مراتب پیشین تقوی به دست آورده است.

در آیه، " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ: ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و هرکسی باید با تأمل بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است و از خدا پروا کنید؛ یقیناً خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است" (حشر/۱۸)؛ در این آیه، دوبار به تقوا امر شده است، تقوای نخست به محافظت از گناه و مبادرت به عمل صالح اشاره دارد، اما تقوای دوم، تقوایی است در مقام محاسبه و نظر در کیفیت اعمال صالحی که در اثر تقوای نخست به دست آمده است و این مرتبه تقوی مرتبه اعلای آن است که به عنوان هدف غایی تربیت محسوب می‌شود

ارتباط تقوا به عنوان هدف غایی با اهداف واسطی، ارتباط طولی است و بنابراین باید در همه شئون انسان حضور داشته باشد. انسان باید در هر یک از شئون خویش به سمت تقوایی

راه بجوید که با داشتن آن قادر خواهد بود اعمال خود را خالص الوجه الله انجام دهد و عرصه جان را از نفوذ توسط انگیزه‌های دیگر محافظت کند. فرد متقی در این مرتبه، فراتر از آن است که "انگیزه اساسیش" توسط نکوهش‌ها یا ستایش‌های دیگران مایه‌ور شود؛ او از اینها مصونیت (تقوا) یافته است. از این رونه نکوهش‌ها در وی خوف می‌افکند و نه ستایش‌ها در او شوق. در باب ستایش‌ها باید گفت که متقی نه تنها بر آن شوق ندارد، بلکه از آن خائف است، زیرا آن را آفت تقوا می‌داند. حضرت امیر در خطبه متقین این ویژگی را بیان فرموده‌اند: "إِذَا زَكَّى أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ"؛ این ظرفیت عظیم در انسانی به ظهور می‌رسد که هدف غایی تقوا در وی تحقق یافته باشد (همان، ۱۳۹۵، ص ۹۷).

با توجه به آنچه ذکر شد، در زمینه تربیت دینی، نظام آموزشی ابتدا باید به دانش آموزان شناخت و اندیشیدن را بیاموزد و تربیت دینی در این بعد به دانش آموزان کمک می‌کند تا از دین و اصول و مبانی آن، درک درست و صحیحی به دست آورند. هدف غایی تعلیم و تربیت قرب جهت رسیدن به رضوان خداست و به همین سبب، در تمام مراحل، اعمال و رفتارهای تربیتی این هدف آرمانی را باید ملاحظه کرد و نیروها و استعدادها متعلم و متربی را در جهت آن به فعلیت رسانید. عبادت به معنی بندگی است و حقیقت بندگی آن است که انسان، فقط خدا را ربّ و مالک و مدبر و مولای خویش بداند؛ پس به یک معنا می‌توان گفت که هدف خلقت، عبودیت است نه عبادت؛ و هدف تربیت (آموزش و پرورش)، ساختن عبد است نه عابد، زیرا می‌توان عابد بود ولی عبد نبود؛ همان‌طور که شیطان شش هزار سال عابد بود، ولی لحظه‌ای عبد نبود. تقوا در عرف شرع یعنی نگهداری نفس از آنچه انسان را به گناه می‌کشاند، به اینکه ممنوعات و محرّمات را ترک کند. تقوایی که جز اهداف غایی تربیت قرار می‌گیرد، دامنه محافظت در آن بسیار گسترده‌تر از آن است که محدود به محافظت پس از لغزش یا پیش از لغزش شود، بلکه محافظتی است در حدّ بازبینی و اصلاح دستاوردهایی که فرد آنها را توسط مراتب پیشین تقوی به دست آورده است.

پنج) پرورش انسان شایسته

بدون شک مهم‌ترین عامل تحقق حیات طیبه آن است که عموم آحاد جامعه با کسب شایستگی‌های لازم به افرادی صالح و باایمان تبدیل و زمینه را برای ساختن جامعه‌ای صالح مهیا کنند. خداوند متعال می‌فرماید: " مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: هر کس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته کند، حتماً به زندگی پاک و پسندیده‌ای زنده‌اش می‌داریم و قطعاً مزدشان را نیکوتر از آنچه انجام داده‌اند، پاداش خواهیم داد" (نحل/۹۷). آیه شریفه به صراحت بیان می‌دارد که حیات طیبه وابسته به ایمان و عمل صالح، و این دوازده زمینه‌های اصلی حیات معنوی و طیب می‌باشند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: " انسان به سبب ایمان، به مرتبه بالای نیک‌بختی و نهایت سرور و شادمانی ارتقا می‌یابد. " شایان ذکر است که حیات طیبه خود دارای درجات و مراتب است و به هر نسبت که انسان بر ایمان و عمل صالح خود بیفزاید، حیات طیبه او نیز موجودیت و شدت بیشتریافته و بر درجات روحی و تعالی معنوی او افزوده می‌شود. در واقع حیات حقیقی انسان دارای مراتب و بطون است که این مراتب به صورت استعداد در متن آدمی به ودیعه نهاده شده است. مزین شدن به گوهر دین و طی مراتب و درجات دین‌داری، استعدادهای ویژه انسان برای نیل به درجات والای حیات را شکوفا می‌کند (چاه‌خویی اناری، ۱۳۹۵، ص ۶۷).

عقل آدمی از وجوه امتیاز اوست. این توانایی را خداوند به انسان عطا کرده و عقل را به نیرویی تعریف کرده است که انسان در دینش از آن بهره‌مند شود، و به وسیله آن راه را به سوی حقائق معارف و اعمال صالحه پیدا نموده و پیش بگیرد، پس اگر عقل انسان در چنین مجرای قرار نگیرد، و قلمرو علمش به چهار دیوار خیر و شرهای دنیوی محدود گردد، دیگر عقل نامیده نمی‌شود؛ هم‌چنان که قرآن کریم از خود چنین انسان‌هایی حکایت می‌کند که در قیامت می‌گویند: " وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ: اگر شنیده و

پذیرفته بودیم یا تعقل کرده بودیم در میان دوزخیان نبودیم" (ملک/۱۰) و نیز فرموده: " أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ: آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشم‌ها کور نیست، لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور است" (حج/۴۶). پس این آیات همان‌طور که ملاحظه گردید کلمه عقل را در علمی استعمال کرده که انسان خودش بدون کمک دیگران به آن دست یابد.

پس عقل یعنی نیروی تمیز دهنده‌ی خیر و شر، باید به عنوان اصلی در نظام تربیتی اسلامی مورد توجه قرار گیرد، چون که مسئولیت اصلی تربیت به عهده افراد دخیل در جریان تربیت یعنی یاددهنده و یادگیرنده (مربی و متربی) است و برای اینکه اینان بتوانند در هر مورد تصمیم درست را اتخاذ بکنند، باید از نوعی توانایی و صلاحیت برخوردار باشند. توانایی‌ای که مسئولیت و بازخواست را موجه و منطقی می‌سازد و این استعداد و توانایی از نیروی درونی ناشی می‌شود که عقل نام دارد. اگر افراد از عقل و اصول عقلانی متابعت کنند، طبعاً مشکلی در رسیدن به اهداف واسطه‌ای و بالاخره هدف نهایی تربیت نخواهند داشت (همان، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

یادگیری، مقدمه‌ی به کار بستن و عمل کردن است نه برای نقل کردن. در مذمت علمی که از گفتار فراتر نرود و به کردار نرسد، همین بس که خدای تعالی می‌فرماید: " أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ: آیا مردم را به نیکی دعوت کرده و خودتان را فراموش می‌نمایید؟ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید، آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟" (بقره/۴۴). " یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟" (صف/۲ و ۳). امیرالمومنین علی علیه السلام نیز در مورد رابطه‌ی علم و عمل می‌فرماید: " علم و عمل پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چرا که علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخش داد، می‌ماند وگرنه

کوچ می‌کند" و بر همین اساس برترین علم و بی‌ارزش‌ترین دانش مشخص می‌گردد: "پست‌ترین دانش‌ها آن است که تنها روی زبان متوقف شود و برترین دانش‌ها آن است که در اعضا و جوارح آشکار گردد" (حکمت/۹۲) (دهقان‌رجبی، ۱۳۹۲، ص ۶۱).

رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، منطق پشت سر آموزش و پرورش را، انسان‌سازی ذکر می‌کنند و آن را نه تنها منحصر به کشور ما، بلکه مربوط به همه کشورهای دنیا می‌دانند. ایشان آموزش و پرورش را تعبیر به دستگاه عظیمی می‌کنند که لشکر فرهنگی از دانش‌آموز و معلم و کارمندان گوناگون و مدیران مختلف به وجود می‌آورد. در ادامه می‌فرمایند: "چه منطقی پشت سر آموزش و پرورش، این دستگاه عظیم، قرار دارد؟ می‌دانیم پاسخ مجملش را. منطق، انسان‌سازی است؛ یعنی ماده‌ی خامی که کودک مثلاً شش‌ساله و هفت‌ساله است، وارد این کارخانه می‌شود و دوازده سال در این کارخانه زیر و رو می‌شود و یک محصولی، یک برون‌دادی باید از این کارخانه خارج بشود؛ آن برون‌داد چیست؟ انسان شایسته؛ منتها تعریف «انسان شایسته» در مکاتب مختلف، تفکرات مختلف، کشورهای مختلف، جوامع مختلف، مختلف است؛ همه «انسان شایسته» را یک جور نمی‌دانند؛ برای همین هم هست که نوع آموزشها و پرورشها در جوامع گوناگون، یکسان نیست. ما در جمهوری اسلامی همین هدف را دنبال می‌کنیم؛ ما می‌خواهیم در این مجموعه‌ی دوازده‌ساله انسان تربیت بشود. خصوصیت این دوازده سال هم این است که بهترین زمانهای فراگیری است؛ یعنی در این سنین، یادگیری آسان‌تر، ماندگارتر، و بهتر و شایسته‌تر است؛ از این جهت مهم است."

رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، خروجی مطلوب از آموزش و پرورش را، افرادی با تفکر اسلامی می‌داند و در مورد خصوصیات این افراد که مطلوب جامعه، انقلاب و نظام اسلامی خواهند بود، چنین می‌فرماید: "آن انسان طراز اسلامی‌ای که توقع هست آموزش و پرورش او را تربیت کند، انسانی است با این خصوصیات: اولاً مؤمن باشد؛ ایمان اولین شرط است. ثانیاً خردمند باشد؛ یعنی عقل را به کار بگیرد. «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، در قرآن ببینید چقدر هست! ثالثاً اندیشمند باشد؛ یعنی فکر کند. عقل فقط برای پیدا کردن راه‌های عملی زندگی نیست؛

عمده برای فکر کردن و اندیشیدن است، که این از دانشمند شدن مهم تر است. اگر بخواهیم دانشمندان خوبی داشته باشیم، باید اندیشمندان خوبی داشته باشیم. بعد، دانشمند شدن و کسب علم؛ این هم یک خصوصیت است. مجاهد و اهل عمل باشد؛ یعنی نشستن و حرف زدن و صرفاً فکر کردن و حرفی کردن کافی نیست، باید اهل عمل باشد که حالا در این زمینه هم بحث‌های زیادی وجود دارد. عمل هم عمل مجاهدانه و پیگیر [است]؛ همان [عملی] که در عرف مقدس اسلام «جهاد» گفته می‌شود که آن وقت این جهاد در اینجا جهاد فی سبیل الله است، جهاد مورد ترغیب شرع است. انسان با انصافی دربیاید، [انسان] با نظمی دربیاید، متخلق به اخلاق اسلامی دربیاید؛ اینها خصوصیات انسانی است که ما توقع داریم در آموزشی که شما می‌دهید و پرورشی که شما می‌کنید، یک چنین انسانی به وجود بیاید" (امام خامنه‌ای، بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش، ۱۳۹۹/۰۶/۱۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46388>).

شش) تربیت نیروی انقلابی

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مورد تربیت نیروی انقلابی به وسیله آموزش و پرورش چنین می‌فرمایند: "حالا شما نگاه کنید به یک کشور. شما به عنوان یک انسان، به عنوان یک مدیر، به عنوان یک رئیس و به عنوان یک دلسوز، میخواهید کشوری داشته باشید که افراد آن از لحاظ استعداد، برجسته باشند؛ از لحاظ اخلاق، پاکیزه باشند؛ از لحاظ اقدام، شجاع باشند؛ از لحاظ فکر، دارای تدبیر باشند؛ افراد این کشور مردمانی مستقل، دارای فکر، دارای ابتکار، دارای روح خلاقیت، پرهیزگار، پاکدامن، نظم‌پذیر، قانون‌پذیر، اهل اقدامهای بزرگ و آرمان طلب باشند؛ میخواهید یک چنین کشور و جامعه‌ای بسازید. کیست که در دنیا آرزوی این نباشد که کشور و جامعه‌اش از مردان و زنانی تشکیل شده باشد که دارای این روحیات و خصوصیات باشند؟ یعنی ظرفیتهای استعدادی را به کار بینند، شجاعت در اقدام داشته باشند، آرمانهای بلند را دنبال کنند، خسته نشوند، شوق و نشاط داشته باشند، نظم و انضباط داشته باشند، در آنها ولنگاری و بیانضباطی و تن‌پروری وجود نداشته باشد.

حالا می‌خواهیم کشوری با این خصوصیات درست کنیم. شما نگاه کنید و ببینید جای تربیت انسانها کجاست؟ از اول ولادت تا وقت مرگ، کدام نقطه و کدام منطقه و محیط، برای تربیت چنین انسانهایی مناسب‌تر از آموزش و پرورش است؟ همین قرنطینه‌ی دوازده ساله می‌تواند انسانها را با همین خصوصیات مثبت تربیت کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۸۶/۰۲/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3380>).

کارکردهای فردی تربیت دینی آموزش و پرورش در جهت افزایش معرفت و شناخت فردی دانش‌آموز برای تحقق جامعه اسلامی و نیز بیانات مقام معظم رهبری در این مورد و عنوان کردن آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد انسان‌ساز و تربیت‌کننده‌ی نیروی انقلابی ذکر شد؛ از طرفی، مهیا شدن تربیت دینی دانش‌آموزان از طریق نهاد آموزش و پرورش در جهت تحقق جامعه اسلامی از برکات انقلاب اسلامی بوده که مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب به آن اشاره نموده است، از آنجایی که با به وجود آمدن انقلاب اسلامی، زمینه جهت افزایش اخلاق و معنویت در فضای عمومی جامعه بیش از پیش فراهم شده است.

۴. کارکردهای اجتماعی تربیت دینی

یک) تولید علم نافع

علم، مقدمه عمل است. در تعالیم اسلامی تأکید زیادی بر ضرورت نافع بودن علم وجود دارد. هر علم مفید برای جامعه اسلامی، علم دینی است. از نظر مقام معظم رهبری، علمی مفید و نافع است که به کار کشور بیاید و مفید برای حل مشکلات کشور باشد. طبق این تعریف، ممکن است دانش فیزیک، هسته‌ای، علم دینی باشد؛ اما صدها دانش فقه و فلسفه و تفسیر، علم دینی نباشد، در صورتی که موضوعاتی را مطرح کند که هیچ دردی از جامعه اسلامی دوا نکند. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی

استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید؛ به جرأت می‌توان گفت که بر هیچ یک از نخبگان و مجاهدان جبهه انقلاب اسلامی پوشیده نیست که هدف اصلی تشکیل نظام اسلامی، تربیت و رشد آحاد جامعه به سوی خداوند متعال بوده است؛ لذا به‌رغم همه فرازونشیب‌های فراوانی که پیش روی کشورمان در راه رسیدن به تعالی وجود دارد، در بلند مدت، هیچ مسئله‌ای هم‌عرض تعلیم و تربیت قرار نمی‌گیرد (سیدطباطبایی و فریدونی، ۱۳۹۶، ص ۹۶ و ۹۹).

رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دانش را، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور می‌دانند. از دیدگاه ایشان، دنیای غرب به برکت دانش خود بوده است که توانسته برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌بیست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ایشان در ادامه ذکر کرده‌اند که ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.

ایشان در مورد مسئله‌ی علم نافع می‌فرماید: "یک نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی علم نافع است. در تعلیم و تربیت کشور، علم سودمند، دانش سودمند باید تعقیب بشود. اینکه شما می‌گویید «آموزش و پرورش اصلاح باید گردد»، (۵) یکی از مواد مهم اصلاحی، همین است که دانشی که در اینجا تعلیم داده می‌شود، دانش سودمند باشد؛ این جوان بتواند از این دانش، برای بهبود زندگی خود و جامعه‌اش و پیرامونیان خود استفاده کند؛ علم نافع این است. علم نافع، آن [علمی] است که ما را به اهدافمان نزدیک کند، حرکت ما را آسان کند، ما را پیش ببرد؛ علم نافع این است. آن چیزهایی که در ما روحیه‌ی حرکت ایجاد می‌کند، ما را شکوفا می‌کند" (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39542>).

همه این مسائلی که ما داریم بحث می‌کنیم: مسئله عدالت، مسئله امنیت، مسئله

رفاه، مسئله عبادت، برای این است که فرد انسان سعادت‌مند شود... بنابراین اصل این است. همه چیز مقدمه است؛ جامعه اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که «لیقوم الناس بالقسط» - که به عنوان هدف انبیا ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد. بدین ترتیب از آنجا که تشکیل حکومت مقدمه هدایت و تربیت انسان است، طبیعی است که تعلیم و تربیت مهم‌ترین وظیفه حکومت اسلامی قلمداد شود؛ مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت، مسئله اول در نظام ماست. در بلند مدت، هیچ چیز به اندازه تعلیم و تربیت اهمیت ندارد (سیدطباطبایی و فریدونی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰).

دو) ایجاد جامعه‌ی نمونه

رهبر معظم انقلاب علیه السلام، هدف جمهوری اسلامی را ایجاد یک جامعه‌ی نمونه و الگو می‌دانند: "هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، بر اساس آموخته‌های عمومی انقلاب در نظر گرفتیم - «ما» که عرض میکنم، مراد این حقیر نیست؛ مراد، ملت ایران و مسئولان انقلاب است؛ صاحبان انقلاب - آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف، ایجاد یک جامعه‌ی نمونه است. شما میخواهید در محدوده‌ی ایران عزیز - که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه‌ی بسیار حساسی از دنیا هم واقع شده است - یک جامعه‌ای بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد؛ هم الگو از لحاظ مادی و پیشرفتهای مادی، هم در عین حال الگو از لحاظ معنویّت و از لحاظ اخلاق. غربی‌ها در زمینه‌ی مادی یک جستی زدند، در یک دورانی جهشی کردند؛ اما این جهش جدا و مباین و معارض با حرکت اخلاقی بود؛ یک جهش صددرصد مادی بود. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26342>).

حالا شما نگاه کنید به یک کشور. شما به عنوان یک انسان، به عنوان یک مدیر، به عنوان یک رئیس و به عنوان یک دلسوز، میخواهید کشوری داشته باشید که افراد آن از لحاظ

استعداد، برجسته باشند؛ از لحاظ اخلاق، پاکیزه باشند؛ از لحاظ اقدام، شجاع باشند؛ از لحاظ فکر، دارای تدبیر باشند؛ افراد این کشور مردمانی مستقل، دارای فکر، دارای ابتکار، دارای روح خلاقیت، پرهیزگار، پاکدامن، نظم‌پذیر، قانون‌پذیر، اهل اقدامهای بزرگ و آرمان طلب باشند؛ میخواهید یک چنین کشور و جامعه‌ای بسازید. کیست که در دنیا آرزویش این نباشد که کشور و جامعه‌اش از مردان و زنانی تشکیل شده باشد که دارای این روحيات و خصوصیات باشند؟ یعنی ظرفیتهای استعدادی را به کار بیندند، شجاعت در اقدام داشته باشند، آرمانهای بلند را دنبال کنند، خسته نشوند، شوق و نشاط داشته باشند، نظم و انضباط داشته باشند، در آنها ولنگاری و بیانضباطی و تن‌پروری وجود نداشته باشد." (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۸۶/۰۲/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3380>).

سه) ایجاد عدالت

عدالت، یعنی اعطای حق هر صاحب حقی، که لازمه‌ی آن جلوگیری از ظلم و تبعیض و هرگونه عمل و رفتاری است که کرامت انسانی را خدشه‌دار کند. عدالت اجتماعی، آرمان انسانی است که تحقق آن به آموزه‌های آسمانی نیاز دارد، زیرا صرف به دست آوردن قانون در اجرای عدالت کفایت نمی‌کند، بلکه قوه‌ی عقلانیت و اخلاق انسان باید بر غریزه‌ی نفع و استخدام‌گری او فائق آید و این محتاج تعلیم و تزکیه نفس است تا پس از دریافت قانون و شریعت آسمانی، در اجرای آن، عدالت و حق را مراعات کند. برقراری عدالت اجتماعی جزو اهداف اساسی پیامبران است. به دیگر سخن، وظیفه و مأموریت پیامبران فقط در دعوت به خدا و مقابله با حاکمان جور و براندازی آنان خلاصه نشده است؛ بلکه خداوند و پیامبران به فکر حکومت پس از فروپاشی حکومت‌های جور هستند که مشخصه‌ی آن، توجه و اهتمام خاص به اصل عدالت اجتماعی است (مطهری‌خواه، ۱۳۹۴، ص ۸۲).

اساساً، اعتدال، شأن عقل است. یعنی انسان عاقل، انسانی معتدل است. اعتدال، اصلی است که بر تمامی تعلیمات اسلام احاطه دارد. اعتدال در عقیده، اعتدال در

برنامه‌های اجتماعی و شیوه‌های اخلاقی. بنابراین، مربیان در امر هدایت متربیان به سوی تربیت دینی باید توجه داشته باشند که از حد اعتدال و میانه خارج نشوند و مبادا که با تکالیف شاق و سخت و روش‌های سخت‌گیرانه از یکسو دچار افراط گردند و یا در نقطه مقابل با فروگذاری و عدم توجه لازم به انجام تکالیف دینی، زمینه بی‌توجهی و بی‌تفاوتی در امر تربیت دینی را فراهم سازند (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۲۲).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مورد عدالت و پیشرفت چنین می‌فرماید: "پیشرفت و عدالت؛ این خیلی معنادار است. فرض بفرمائید یکی از شاخصه‌های مهم، افزایش درآمد ناخالص ملی در کشورهاست. فلان کشور درآمد ناخالص ملی اش، مثلاً چندین هزار میلیارد است، فلان کشور یک دهم اوست؛ پس آن کشور اولی پیشرفته است! این منطق، منطق درستی نیست. افزایش درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی یک کشور - به تنهایی نمی‌تواند نشانه‌ی پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم می‌شود. اگر درآمد ملی بسیار بالاست، اما توی همین کشور آدم‌هایی شب توی خیابان می‌خوابند و با گرمای چهل و دودرجه‌ی هوا عده‌ی زیادیشان می‌میرند، این پیشرفت نیست. شما ببینید توی خبرها: در فلان شهر معروف بزرگ غربی - مثلاً در آمریکا یا جای دیگر - حرارت هوا به چهل و دودرجه رسید و فلان تعداد آدم مردند! چرا با چهل و دودرجه حرارت بمیرند؟ این معنایش این است که اینها سرپناه و جا ندارند. اگر در جامعه‌ای، انسان‌هایی وجود دارند که بی سرپناه زندگی می‌کنند یا باید چهارده ساعت در روز کار کنند تا نان بخور و نمیر پیدا کنند، درآمد ناخالص ملی ده برابر اینی هم که امروز هست باشد، این پیشرفت نیست. در منطق اسلامی این پیشرفت نیست؛ بنابراین پسوند عدالت اینقدر اهمیت دارد.

البته درباره‌ی پسوند حرف‌های بیشتری هست. اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه‌ی همه‌ی مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آئینی، انسان را

تک ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دو ساحتی میداند - بکلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه‌ی اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را می‌خواهند: دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول عنه واقع بشود به توهّم دنبال‌گیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول عنه واقع بشود بخاطر دنبال‌گیری از دنیا. این بسیار نکته‌ی مهمی است. اساس، این است. آن پیشرفتی که در جامعه‌ی اسلامی مورد نظر است، این چنین پیشرفتی است" (امینی، ۱۳۹۷، ص ۴).

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب، عدالت و مبارزه با فساد را لازم و ملزوم یکدیگردانسته‌اند. ایشان در این مورد فرموده‌اند: "فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌هاست و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. عدالت در صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای برعهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است.

اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تا کنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با

فربگیران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان که بحمدالله کم نیستند سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ص ۱).

آنچه در مورد تعلیم و تربیت می‌خواهیم عرض بکنیم این است که جهت‌گیری تعلیم و تربیت کشور باید به سمت برخورداری از عدالت باشد؛ یعنی آموزش و پرورش ما، تعلیم و تربیت ما، عدالت‌پرور تربیت کند، عدالت‌خواه تربیت کند، عدالت‌ساز تربیت کند؛ چون عدالت، آن ارزش والایی است که از اول تاریخ بشر تا امروز، همواره مورد نظر آحاد بشر بوده است. ارزشها به مرور زمان و به تحوّل نسلها تغییر پیدا میکنند، [اما] بعضی از ارزشها از اول تا آخر ثابتند؛ از جمله، ارزش عدالت است. شما ملاحظه کنید؛ ادیانی که معتقد به مهدویتند -که تقریباً همه‌ی ادیان الهی معتقد به مهدویتند - اینها معتقدند که منجی بیاید، دنیا را پُر از عدل و داد کند؛ نگفتند پُر از دین کند، [بلکه] پُر از عدل و داد کند؛ این اهمّیت عدل و داد را نشان میدهد. البته عدالت هم جز در سایه‌ی دین حاصل نخواهد شد؛ این به جای خود محفوظ، اما مسئله‌ی عدل و داد خیلی مهم است. آموزش و پرورش ما باید جهت‌گیری این‌جوری داشته باشد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39542>).

چهار) تحکیم هویت ملی

هدف نهایی نظام آموزشی در سراسر دنیا، تعلیم و تربیت افراد به منظور حضور مؤثر در جامعه و انتقال هویت، فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر کشور است؛ به نحوی که نظام آموزش و پرورش در سراسرگیتی، گروه‌های دانش‌آموزی را در مدارس و کلاس‌های درس گرد هم می‌آورد تا امیدها و انتظارات جامعه و افراد را برآورده سازد. در این بین علی‌رغم آنکه در

ظاهر، فراگیری علم و ترویج شاکله‌های آن، مهم‌ترین اهداف نظام آموزشی به شمار می‌آیند، با این حال نباید از یاد برد که نظام آموزشی نقش مهمی در جامعه‌پذیری افراد ایفا می‌نماید. از این رو افراد علاوه بر فراگیری علم و دانش به شناخت خود و دیگران نیز می‌پردازند.

هویت ملی یک اصطلاح جدید و محصول مدرنیته است. مدرنیته زائیده عصر رنسانس است و حاصل آن، شکل‌گیری دولت ملت و حکومت‌های قدرتمند و متمرکز است. هویت ملی ناشی از دو پدیده است: یکی فرایند عبور تاریخ از مراحل خاص همراه با تحولات گوناگون که منجر به شکل‌گیری و بروز عصر ناسیونالیسم در نهضت رنسانس در چارچوب مفهوم دولت شد و پدیده دیگر محصول فرایند یا فرآورده‌ای است که به هویت ملی تعبیر می‌شود و جایگزین هویت دینی در نظام کلیسای قرون وسطی شد و در نتیجه آن، ملت جای امت را گرفت. به این ترتیب ویژگی‌های هر ملتی که متفاوت از ملت دیگر است، هویت ملی آن را شکل می‌دهد.

در اغلب جوامع امروز، نظام آموزشی ابزار مهم تقویت ابعاد مختلف هویت ملی به شمار می‌رود. به اعتقاد برخی از تحلیل‌گران و کارشناسان، آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی که در جامعه‌پذیری افراد نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند، بزرگ‌ترین فصل مشترک «ملت» و «دولت» است. بسیاری از تحلیل‌گران بر این باور هستند که برای تقویت هویت ملی باید به یک منشور ملی در این زمینه دست پیدا کرد؛ زیرا از این منظر نظام آموزشی ایران، باید برای هر سه لایه جا باز کند. توجه به این نکته نیز مهم است تا زمانی که مسئله هویتی بواسطه نظام آموزشی حل نشود، آسیب‌پذیری ما افزایش می‌یابد. به این ترتیب، هنر دولت‌مردان و عواملان آموزش کشور این است که بتوانند با برخورد واقع بینانه، فضای مناسبی برای سه منبع دینی، ملی و جهانی هویت بازکنند و آنها را از طریق نظام آموزشی به سایر سطوح منتقل کنند. تقویت شاخص‌های هویت ملی باید از سنین پایین و بوسیله نظام آموزشی به افراد تزریق شود. موفقیت‌ها و افتخارات ملی گذشته در طول تاریخ، احساس تعلق

به ملت واحد را تقویت خواهد کرد و احساس افتخار را در دانش آموزان نسبت به ملیتشان برخواهد انگیخت (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۱، ۴ و ۱۱).

کارکردهای اجتماعی تربیت دینی آموزش و پرورش جهت تحقق جامعه اسلامی شامل مسئله‌ی علم نافع بوده که از دیدگاه مقام معظم رهبری، علم نافع، آن [علمی] است که جامعه را به اهدافش نزدیک کند، حرکت را آسان کند و جامعه را پیش ببرد که این علم از طریق آموزش و پرورش محقق می‌شود. از دیدگاه ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور بوده که معتقدند دنیای غرب به برکت دانش خود بوده که توانسته برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد.

کارکرد اجتماعی دیگر، شامل عدالت بوده که از دیدگاه مقام معظم رهبری، جهت‌گیری تعلیم و تربیت کشور باید به سمت برخورداری از عدالت باشد؛ یعنی آموزش و پرورش ما، تعلیم و تربیت ما، عدالت‌پرور تربیت کند، عدالت‌خواه تربیت کند، عدالت‌ساز تربیت کند؛ چون عدالت، آن ارزش والایی است که از اول تاریخ بشر تا امروز، همواره مورد نظر آحاد بشر بوده است. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، عدالت را در صدر هدف‌های اولی‌های هم‌ی‌بعثت‌های الهی دانسته و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه می‌باشد؛ از دیدگاه ایشان، عدالت، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای برعهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

دین راه هدایت انسان به سوی سعادت و رستگاری است. پرستش خدای واحد و عمل به دستوره‌های او تنها راهی است که انسان را از درد و رنج‌های جسمی و روحی به ساحل

آرامش و آسایش می‌رساند و احساس دلپذیر رضایت و امنیت را در او ایجاد می‌کند. با توجه به ضرورت اهمیت دین برای سعادت و رستگاری انسان، تربیت دینی نیز امری ضروری و مهم است که به هیچ وجه نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد؛ به همین جهت همیشه تربیت دینی، بخش جدایی‌ناپذیر از تعلیم و تربیت انسان‌ها در همه جوامع دین‌مدار است. جایگاه منحصر به فرد آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین متولی تعلیم و تربیت و مهم‌ترین عامل پیش‌برنده فرآیند پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری بر کسی پوشیده نیست؛ کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش جهت تحقق جامعه اسلامی با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام و نیز بیانیه گام دوم انقلاب، به صورت دوکارکرد فردی و اجتماعی ارائه گردید. کارکردهای فردی شامل معرفت‌زایی، قرب و رضوان، عبودیت، تقوا، پرورش انسان شایسته و تربیت نیروی انقلابی بوده است. معرفت‌زایی شامل آموزش دینی که ناظر به انتقال معارف دینی بوده و نتیجه‌ی آن استقرار یک نظام معرفتی در ذهن کسی است که برنامه تربیت دینی برای او شکل گرفته است. قرب و رضوان، هدف غایی تعلیم و تربیت است که نیروها و استعدادها را متعلم و متربی را در جهت آن به فعلیت می‌رساند. عبودیت که هدف خلقت انسان بوده است و هدف تربیت در آموزش و پرورش، ساخت عبد از طریق عبودیت است. تقوا، مرتبه‌ی اعلائی است که هدف غایی تربیت محسوب می‌شود. پرورش انسان شایسته از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، منطبق پشت آموزش و پرورش بوده که انسان شایسته، شامل خصوصیات چنان مؤمن بودن، خردمند بودن، اندیشمند بودن، و اهل عمل و مجاهد بودن می‌باشد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور را، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی بیان کرده و آنها را ثروت عظیم و چشمگیری برای کشور دانسته‌اند که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند بشود و دست‌یابی به این مورد از طریق تربیت دینی که به وسیله‌ی نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می‌گیرد، می‌تواند محقق شود.

کارکردهای اجتماعی تربیت دینی نیز شامل تولید علم نافع، ایجاد جامعه‌ی نمونه، ایجاد عدالت و تحکیم هویت ملی بوده است. علم نافع از دیدگاه مقام معظم رهبری، علمی است که به کار کشور آمده و مشکلات آن را حل کند. از نگاه ایشان، در آموزش و پرورش باید علم نافع تعقیب شود تا جامعه اسلامی پیشرفت کند و ظرفیت‌های آن شکوفا شود. ایجاد جامعه‌ی نمونه از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، با تربیت انسان‌های شجاع، پاکیزه، با تدبیر، مستقل، پرهیزگار و... میسر شده که در سایه نظام آموزش و پرورش محقق می‌شود. ایجاد عدالت، آرمان انسانی است و از دیدگاه مقام معظم رهبری، آموزش و پرورش باید عدالت‌پرور باشد. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، عدالت را صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی دانسته و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه بوده که اگرچه به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای برعهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن چشم امید به جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی ودانا و کاردان که بحمدالله کم نیستند سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد که مسلماً آموزش و پرورش در تربیت چنین جوانانی نقش مهم و موثری ایفا می‌کند.

هویت ملی یک اصطلاح جدید و مدرنیته است که نظام آموزشی ابزار مهم در تقویت ابعاد مختلف می‌باشد و هدف نهایی آموزش، تعلیم و تربیت افراد به منظور حضور مؤثر در جامعه و انتقال هویت، فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر کشور است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. اکبری، معصومه، ۱۳۹۳، "بررسی تربیت دینی با توجه به اسناد تحول در آموزش و پرورش". پایان نامه کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.
۴. امین خندقی، مقصود. ابراهیمی هرستانی، اصغر، ۱۳۹۰، "رویکردهای تحول در برنامه های درسی تربیت دینی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران: بررسی تحلیلی - نظری". اولین همایش ملی تحول بنیادین در نظام برنامه درسی ایران.
۵. امینی، زهرا، ۱۳۹۷، " بررسی و تبیین عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری". جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی - جایزه ویژه علامه جعفری رحمته الله علیه.
۶. بیانات در دانشگاه فرهنگیان، قابل دسترس در (<https://farsi.khamenei.ir/speech->)، [content?id=39542](https://farsi.khamenei.ir/speech-)، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹.
۷. بیانات در دیدار معلمان، قابل دسترس در (<https://farsi.khamenei.ir/speech->)، [content?id=3380](https://farsi.khamenei.ir/speech-)، ۱۳۸۶/۰۲/۱۲.
۸. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، قابل دسترس در (<https://farsi.khamenei.ir/message->)، [content?id=41673](https://farsi.khamenei.ir/message-).
۹. چاهخویی اناری، اکبر، ۱۳۹۵، "تحول بنیادین در آموزش و پرورش با رویکردی بر قرآن و حدیث". پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم قرآنی.
۱۰. دهقان رجبی، فاطمه، ۱۳۹۲، "نقش معلم در تربیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه". پایان نامه کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.
۱۱. سیدطباطبایی، سیدمهدی. فریدونی، سینا، ۱۳۹۶، "الگوی استخراج نظام مسائل آموزش و پرورش کشور مبتنی بر بیانات حضرت امام خامنه ای حفظه الله تعالی". فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳۴.
۱۲. فرهادی، فاطمه، ۱۳۹۷، "نقش مدارس در تربیت دینی و هویت ملی دانش آموزان". اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی

۱۳. مطهری خواه، ذبیح، ۱۳۹۴، "کارکرد فردی و اجتماعی دین از دیدگاه ابن سینا". فصلنامه فلسفه دین، شماره ۴